

درآمدی بر پیشگیری مقتدرانه پلیس از جرم

محمود رجبی پور

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

از آنجا که طی چند دهه اخیر پیشگیری از جرم، به نسبت کیفردهی، درمان و بازپروری از نتایج بسیار خوبی در کشورهای گوناگون برخوردار بوده و موجب کاهش هزینه‌های مادی و معنوی شده است، هم اکنون این مهم به یکی از جدی‌ترین راهبردهای مورد نظر دولت‌ها تبدیل شده و به همین منظور اعتبارات قابل ملاحظه‌ای را به این امر تخصیص داده‌اند. این در حالی است که پیشگیری از جرم و بزهکاری در واقع یک وظیفه ملی است، بنابراین نه تنها دولت‌ها و نهادهای رسمی، بلکه شبکه‌های غیردولتی و مجموعه مردم نیز در این ارتباط سهم و نقش ویژه‌ای دارند. از دیدگاه صاحب‌نظران، پیشگیری از جرم و بزهکاری دارای انواع متعدد است، ولی عمدتاً آنان بر این باورند که در سه سطح پیشگیری نخستین، دومین و سومین و با رویکردهای کیفیری، وضعی، اجتماعی و یا تلفیقی، قابل طرح و اجرا می‌باشد.

بی‌شک پلیس با فاصله گرفتن از روش‌های منسوخ و توجه به رویکردهای نوین، در هر سه سطح از پیشگیری قادر به انجام وظیفه است و می‌تواند این مسئولیت را مقتدرانه به انجام برساند. ذکر این نکته نیز ضروری است که پیشگیری مقتدرانه پلیس، که موضوع کانونی این مقاله است، جان مایه‌ای غیر از ارعاب دارد و معایر یا رویکردهای تهدید محور است. به عبارت دیگر، توجه آن بیشتر به قانونمندی، مشروعیت، مقبولیت، هوشمندی و تأمین صریح و بی‌ملاحظه حقوق جامعه و شهروندان است.

در این نوشتار ضمن تعریف مفاهیم مذکور، سعی شده است نیاز به پلیس مقتدر، تعلیم و تربیت آن و نقش دانشگاه علوم انتظامی در این خصوص مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها

پیشگیری از جرم و بزهکاری (Crime prevention and delinquency) / اقتدار (Authority) /

پلیس مقتدر (Authoritative police)

مقدمه

یکی از مسائل اساسی، مورد اشاره در ملاقات فرماندهان ناجا با مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم انتظامی^(۱) که موضوع بحث مختصر این یادداشت می‌باشد، مسئله پیشگیری از جرم توسط نیروی انتظامی در کنار دیگر بخش‌هاست. فرمانده معظم کل قوا در ضرورت و مهم بودن موضوع پیشگیری از جرم بیان داشتند: «...بهداشت در همه جا بردرمان مقدم است، زیرا هم مقرون به صرفه است و هم موفقیت‌آمیزتر است. اگر فرض کنیم نیروی انتظامی هم در این زمینه وظایفی دارد، که دارد، تحقق پیشگیری از جرم به وسیله نیروی انتظامی، با حضور مقتدرانه است، یعنی مأمور شما وقتی در یک منطقه‌ای راه می‌رود، همین حضور، خود بخش مهمی از پیشگیری از جرم را انجام می‌دهد و وقتی یک کلانتری در جایی افتتاح می‌شود، هم اینجور است...»

در این رهنمود تأکید بر اصل راهبردی تقدم بهداشت بر درمان، مقرون به صرفه بودن (به لحاظ مادی و معنوی)، موفقیت‌آمیز بودن پیشگیری با حضور مقتدرانه، در عرصه پیشگیری از جرم، بیش از هر چیز نشانگر اهمیت پرداختن به این موضوع و الویت داشتن آن در برنامه‌های کلان کشور است؛ زیرا در بخش دیگر (که به آن اشاره خواهد شد)، این امر مسئولیت همه قوای کشور و مردم دانسته شده که البته با هدایت و سازماندهی حکومت باید آغاز گردد و سپس همگان را به مشارکت فعال در این موضوع فراخواند. برنامه‌های پیشگیری از جرم، بیش از سه دهه است که در برخی از کشورهای جهان آغاز شده و به صورت جدی نیز دنبال می‌شود؛ زیرا هم اکنون گسترش بزهکاری و چگونگی مبارزه و کنترل آن از مسائل عمده و جدی دولت‌ها محسوب می‌گردد که نیلأ به آن اشاره خواهد شد.

رویکرد جهانی^(۲) به پیشگیری از بزهکاری

نتایج مطالعات صورت گرفته حاکی از افزایش میزان جرایم بویژه در جوامع شهری است؛ به گونه‌ای که جرم به منبع عمده نگرانی و دغدغه دولت‌ها و مردم تبدیل شده است. نتیجه یک تحقیق بین‌المللی، که در دوازده کشور جهان صورت گرفته است، از افزایش رشد جرایم،

۱- این دیدار در تاریخ ۸۳/۷/۱۵ و پس از مراسم فارغ‌التحصیلی در دانشگاه علوم انتظامی انجام گردید.

بویژه مصرف مواد مخدر، جرم علیه اموال و جرم‌های خشونت‌آمیز نزد جوانان بخصوص در مناطقی که با درصد بالایی از بیکاری مواجه می‌باشند، حکایت دارد. طبق گزارش دبیرخانه سازمان ملل متحد، میزان رشد سالانه جرم‌های گزارش شده بالغ بر ۵ درصد می‌باشد که از رشد جمعیت و نیز از رشد اقتصادی بیشتر کشورهای جهان افزون‌تر است. (شهرام ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۲) به همین منظور ضرورت موضوع پیشگیری از جرم طی چند دهه گذشته، بویژه در کشورهای توسعه یافته، عمده توجه دولت‌ها به سرمایه‌گذاری در خصوص هدایت هدفمند و سازماندهی شده پیشگیری و ایجاد نهادهای دائمی برای سیاست‌گذاری و هماهنگی در این زمینه جلب شده است.

در همین ارتباط و به عنوان نمونه می‌توان به کشور بلژیک اشاره نمود. افزایش بودجه پیشگیری از جرم در کشور بلژیک از ۵ میلیون فرانک در سال ۱۹۸۹، به ۱/۷ میلیارد فرانک در سال ۱۹۹۶^(۱) افزایش یافته است. همچنین اختصاص بودجه یکصد میلیون دلاری به برنامه‌های پیشگیری از جرم در برخی از کشورهای پیشرفته، وجود حدود بیش از ۲۴۲۰۸۹ سایت اینترنتی (جفتایی و دیگران، ۱۳۸۰) ویژه پیشگیری از جرم، چاپ و انتشار بیش از چهارهزار کتاب و پایان‌نامه در این خصوص در کتابخانه ملی کشور بلژیک، از نشانه‌های توجه جدی به این امر مهم در سطح جهان می‌باشد. در ارتباط با همین رویکرد از سوی دولت‌هاست که باتمز و ویلفر^(۲) مدعی‌اند که در طی ۲۰ تا ۳۰ سال اخیر در بسیاری از جوامع غربی، یک جنبش عمومی که از طرف دولت یاری می‌شود، برای توسعه یک گروه از فعالیت‌های سازمان یافته تحت عنوان پیشگیری از جرم به وجود آمده است.

پیشگیری به مثابه یک مسئولیت ملی و همگانی^(۳)

مقام معظم رهبری در بخشی دیگر از سخنانشان با توجه به موضوع پیشگیری از جرم، بر این نکته که پیشگیری از جرم صرفاً به عهده نیروی انتظامی نبوده و دیگر بخش‌ها نیز در این امر مسئول می‌باشند، فرمودند: «اگر فرض کنیم پیشگیری از جرم، که در قانون اساسی وظیفه قوه قضاییه است، اما مخصوص آن نیست، همه دستگاه‌ها، دستگاه‌های قوه مجریه می‌بایست

1- Repertoire- Synthese sur la prevention de la criminalite (cipc)

2- Bottoms & Wiles, 1996:1

3- National & Public responsibility

در مجموعه خودشان پیشگیری و درمان و مقابله با جرم را مقدم بدانند و تا آنجا که می‌شود باید پیشگیری کرد. بهداشت در همه جا بر درمان مقدم است....»

به این ترتیب، پیشگیری از جرم مقوله‌ای فرابخشی و ملی است و تمام بخش‌های حکومتی از جمله پلیس و همین‌طور مردم نیز در آن نقش دارند و همگان باید نسبت به این وظیفه مهم اقدام لازم و ضروری را معمول دارند. بدیهی است وقوع یک جرم، تمام بخش‌های رسمی و غیر رسمی کشور را به‌طور مستقیم و غیر مستقیم درگیر می‌نماید و بنابراین به‌طور طبیعی همگان نسبت به آن مسئولیت خواهند داشت؛ به عبارت دیگر، تمام نهادهای رسمی و غیررسمی و همین‌طور مردم نیز در برنامه‌ریزی و اجرای راهبردهای پیشگیری از جرم نقش و مسئولیت دارند. به عنوان مثال و برای درک بهتر موضوع، جدول زیر مربوط به موضوع جرم سرقت می‌باشد که بیانگر علل سرقت و سازمان‌های درگیر و مسئول در آن است و پلیس نیز در این جدول نقش متناسب با وظایف و مأموریت‌های خود و البته به موازات دیگر بخش‌ها دارد. (رجبی پور، ۱۳۸۲)

«جدول علل سرقت و مسئولیت سازمان‌های دیگر»

علل	سازمان‌های درگیر
۱- احساس محرومیت	تأمین اجتماعی و وزارت امور اقتصادی و دارایی
۲- احساس تبعیض	خانواده، دولت، دستگاه‌های اجرایی و دستگاه قضایی
۳- فاصله اجتماعی	رسانه‌های گروهی به ویژه رادیو و تلویزیون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۴- نظارت ناکافی	پلیس، خانواده و آموزش و پرورش
۵- تأمین اجتماعی	سازمان تأمین اجتماعی، کمیته امداد و بهزیستی
۶- حق شهروندی و حق بیکاری	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری‌ها، تأمین اجتماعی
۷- دیگر خواهی و عام‌گرایی	رادیو و تلویزیون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کلیه دستگاه‌های اجرایی و مبلغان دینی

با توجه به آنچه در خصوص ضرورت و لزوم مسئولیت نهادهای مختلف در خصوص پیشگیری از بزهکاری گفته شد، مناسب است این موضوع به اختصار از منظر جرم‌شناسی

مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف لغوی و مفهومی پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم، جلوگیری از رخداد‌های بد و ناخواسته معنا شده است، (معین، ۱۳۶۰)

جرم شناسان نیز پیشگیری از جرم را به دو گونه علمی تعریف می‌کنند:

الف- تعریف عام: (۱) در این تعریف، پیشگیری از جرم هر اقدامی است که از ارتکاب جرم جلوگیری و در مقابل آن سد ایجاد نماید. این اقدامات شامل جنبه کیفری یا غیرکیفری است. براساس این تعریف هر اقدامی که علیه جرم و برای مقابله با آن طراحی شده باشد و موجب کاهش نرخ بزهکاری و جرم گردد، در حوزه تعریف عام پیشگیری قرار می‌گیرد.

ب- تعریف خاص: (۲) در این تعریف نقطه نظرات متفاوتی میان جرم شناسان وجود دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

۱- عده‌ای از جرم شناسان براین اعتقادند که پیشگیری از بزهکاری عبارت است از: وسایل و ابزاری که دولت و جامعه مدنی به منظور خاص مهار بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی (محیط طبیعی یا محیط اجتماعی) به کار می‌گیرند.

۲- برخی دیگر از جرم شناسان معتقدند که پیشگیری از جرم در برگیرنده تدابیر و اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش دهد. بدین صورت که از یکسو علل اثرگذار بر ارتکاب جرم را شناسایی کرده و از سوی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال نماید. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱)

۳- گروهی دیگر نیز بر این باورند که پیشگیری از بزهکاری مجموعه اقدامات غیرقهرآمیزی است که برای تحقق هدفی ویژه یعنی مهار بزهکاری، کاهش احتمال وقوع جرم، کاهش شدت بزه در مورد علل جرایم اتخاذ می‌شود.

۴- عده‌ای دیگر نیز تأکید دارند که پیشگیری هر تدبیر سیاست جنایی است که هدف نهایی آن تهدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی، از راه غیرممکن ساختن، دشوار کردن یا کاهش دادن احتمال وقوع آنهاست، بدون اینکه از تهدید کیفر یا اجرای آن استفاده

شود. (نیازپور، ۱۳۸۲)

انواع پیشگیری (۱)

در همین ارتباط جرم شناسان به انواع پیشگیری اشاره داشته و از نقطه نظرات متفاوتی در این خصوص برخوردارند که طرح و بررسی همه آنها در حوصله این یادداشت نمی‌باشد،^(۲) لیکن یکی از مشهورترین این تقسیم بندی‌ها، تقسیم بندی کاپلان تحت عنوان پیشگیری سه گانه است. کاپلان معتقد است که پیشگیری شامل سه سطح (مراحل اولیه، ثانویه و ثالثیه) می‌باشد.

در پیشگیری سطح اول (اولیه)^(۳)، هدف آن است تا با بهبود شرایط زندگی افراد، از بزهکاری جلوگیری شود.

پیشگیری سطح دوم (ثانوی)^(۴)، به دنبال آن است که با به کارگیری تدابیر مناسب و با مواجهه‌های زود هنگام، از وقوع جرم افرادی که در شرایط بحرانی به سر می‌برند و احتمال بزهکاری از سوی آنها وجود دارد، پیشگیری کند.

پیشگیری سطح سوم (ثالثیه)^(۵) نیز سعی دارد با مداخله در بازسازی و اصلاح مجرمانی که مرتکب جرم شده و محکوم گردیده‌اند، از تکرار جرم آنان پیشگیری کند.

با توجه به آنچه در تعریف و انواع پیشگیری از جرایم گفته شد و نظر به بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی، جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۲۷ تیرماه ۱۳۶۹)، که وظیفه پیشگیری

1- Types of crime prevention

۲- جان برایت نیز پیشگیری از جرم را به سه بخش «پیشگیری کیفری، پیشگیری وضعیتی و پیشگیری اجتماعی» تقسیم بندی نموده است. گسن براین باور است که پیشگیری به آن دسته از تدابیر گفته می‌شود که اساساً از حوزه کیفری (پلیس و دادگستری) خارج باشد. لذا پیشگیری کیفری را در حوزه پیشگیری نمی‌داند. رجوع شود به مقاله مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، دکتر علی صفاری. مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، شماره ۳۴ - ۳۳، سال ۱۳۸۰.

3- Prevention level I

4- Prevention level II

5- Prevention level III

را برای نیروی انتظامی پیش بینی نموده است،^(۱) به نظر می‌رسد این نیرو با رویکرد جامعه مداری در کنار دیگر نهادها و مراکزی که مستقیم و غیرمستقیم در پیشگیری از جرم نقش دارند، قادر است با تکیه بر تحقیقات و مطالعات علمی به تدابیری دست یابد که در هر سه سطح پیشگیری بویژه در پیشگیری از بزهکاری از نوجوانان و جوانان در فرایند یک تعامل علمی و اجرایی، نقش مؤثری ایفا کند.

در عین حال باید اضافه نمود به رغم آنکه طی سال‌های اخیر اقدامات پایه‌ای مناسبی در نیروی انتظامی برای این موضوع طراحی شده و به مرحله اجرا درآمده است، لیکن با توجه به شرایط کنونی جوامع و تحولات مهم در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، رشد سریع و روزافزون دانش، اطلاعات و فناوری ارتباطی، پیچیدگی جوامع و شیوه‌های جرایم و بزهکاری، باید سرمایه‌گذاری بیشتری معطوف به مقوله پیشگیری از جرایم و بزهکاری گردد تا هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از بزهکاری، که برای حفظ سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی (فوکویاما، ۱۹۹۵) ضروری است، کاهش یابد.

۱- در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است: «انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است. از قبیل:

- | | |
|-------------------------------|--|
| الف - مبارزه با مواد مخدر؛ | ب - مبارزه با قاچاق؛ |
| ج - مبارزه با منکرات و فساد؛ | د - پیشگیری از وقوع جرایم؛ |
| ه - کشف جرایم؛ | و - بازرسی و تحقیق؛ |
| ز - حفظ آثار و دلایل جرم؛ | ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفای آنان؛ |
| ط - اجرا و ابلاغ احکام قضایی. | |

قسمت «د» بند ۸ این قانون. پیشگیری از وقوع جرایم را جزو وظایف نیروی انتظامی ذکر کرده است؛ اما بعضی از صاحب نظران علم حقوق معتقدند که این بند با تعریف ضابطین دادگستری در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب هماهنگی ندارد. در آن ماده، ضابطین دادگستری چنین تعریف شده‌اند: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند».

نقش پلیس در انواع پیشگیری از جرم و بزهکاری

بی تردید پلیس با کنار نهادن شیوه‌های منسوخ دهه‌های پیشین و با رویکرد نوین اجتماع‌گرایی و مشارکت‌مداری، در عین رفتار قاطع و سریع در مقابله با مجرمان حرفه‌ای، می‌تواند در راهبردهای پیشگیرانه و علمی به صورت مستقیم و غیر مستقیم شرکت جست و در راستای این برنامه کلان ملی، نقش قابل توجه و مؤثر خود را عملی سازد. در مجموع پلیس به غیر از مداخله در پیشگیری کیفری، در دو بخش عمده دیگر نیز قادر به اجرا و یا مشارکت در برنامه‌های علمی پیشگیری از جرم می‌باشد:

۱- پیشگیری وضعی یا موقعیتی؛

۲- پیشگیری اجتماعی.

۱- پیشگیری وضعی یا موقعیتی^(۱): از نگاه ژرژ پیکا این نوع پیشگیری ناظر به تدابیری است که فرصت‌ها و مناسبت‌های ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد. (پرویزی، ۱۳۷۹، ص ۱۶) در واقع پیشگیری وضعی، معطوف به اقداماتی است که در جهت کنترل بزهکاران و بزه دیدگان احتمالی صورت می‌گیرد و سه هدف عمده را در دستور کار خود قرار داده است:

۱- دشوار ساختن ارتکاب جرایم؛

۲- کاهش آماج‌های جرم و جاذبه‌های آن؛

۳- افزایش خطر ارتکاب جرایم.

پلیس می‌تواند در خصوص هر یک از محورهای مذکور برنامه ریزی نموده و با پژوهش‌های علمی، کسب دانش، به کارگیری فناوری و همچنین روش‌های نوین، هدف‌های مذکور را محقق کرده و موجب کاهش بزهکاری و جرم در جامعه گردد.

۲- پیشگیری اجتماعی^(۲): در تعریف پیشگیری اجتماعی، بر ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی، که منجر به اصلاح جامعه و فرد و همچنین منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌گردد، تأکید شده است. در این نوع پیشگیری هدف، هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی بوده و محور اقدامات در پیشگیری فرد است؛ به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی مجرم‌مدار و فرد‌مدار است، در حالی که پیشگیری وضعی بزه دیده‌مدار و

آماج مدار می‌باشد.

نکته مهم‌تر آنکه در پیشگیری اجتماعی از طریق آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه در صدد آن هستیم تا معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القا کنیم و قدرت ارزیابی و ارزشیابی عملکرد خودش را به او بدهیم.

پیشگیری اجتماعی، از اقداماتی تشکیل می‌شود که بر انواع محیط‌های پیرامون فرد تأثیر می‌گذارد. کلیه این محیط‌ها در فرآیند جامعه پذیری و اجتماع پذیری یک فرد نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی هستند. هر یک از محیط‌های خانه، مدرسه، دانشگاه، دوستان و همسالان و... در یک مقطع خاص زمانی بر فرد اثرات مستقیم و بیشتر داشته و فرآیند جامعه پذیری را در واقع تسهیل می‌کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱)

پیشگیری اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شود که هر یک از آنها کارکرد خاص خود را دارند.

۱- پیشگیری اجتماعی جامعه مدار^(۱)، که در پی خنثی سازی عوامل جرم زا در محیط اجتماعی است.

۲- پیشگیری اجتماعی رشد مدار^(۲)، که سعی دارد چنانچه کودکی به هر دلیلی از خود مظاهر بزهکاری را بروز داد، با مداخله زودرس در وی و محیط پیرامونش، از مزمن شدن بزهکاری در آینده جلوگیری کند.

پلیس در این نوع از پیشگیری با مداخله در روند جامعه پذیری، تعامل با بخش‌های گوناگون اجتماعی و مشارکت با نهادهای ذی‌ربط خواهد توانست نقش قابل توجهی را در پیشگیری اجتماعی (غیرکیفری) ایفا نماید. یکی از نمونه‌های این امر را می‌توان تعامل پلیس با دانش‌آموزان به جهت کاهش بزهکاری، با استفاده از ابزار آگاه سازی و اقتناع دانست.^(۳)

همان‌طور که اشاره شد، پلیس هم در مراحل سه گانه پیشگیری و هم در انواع دوگانه آن (پیشگیری وضعی و اجتماعی) با شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون قادر به مداخله می‌باشد و این مداخله آنگاه مؤثر و نتیجه بخش خواهد بود که پلیس مقتدرانه و در عین حال بدون ملاحظه

1- Social crime prevention

2- Developmental (Early) prevention of crime

۳- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مقاله راهبرد پیشگیری از جرم (تعامل پلیس و دانش‌آموزان).

محمود رجیبی پور. فصلنامه دانش انتظامی. سال پنجم. شماره ۳. سال ۱۳۸۲.

کاری بویژه در قبال متخلفان، اشرار و متجاوزان به حقوق مردم رفتار نماید. پس از بررسی لغوی و مفهوی پیشگیری از جرم، در این بخش لازم است مفهوم اقتدار و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گیرد.

معنای لغوی و مفهومی اقتدار^(۱)

اقتدار در لغت به معنای توانا شدن، توانستن، قدرت، قوت و زور^(۲) توانایی^(۳) است. در فرهنگنامه انگلیسی نیز اقتدار، قدرت تعیین و حل و فصل مسایل یا اختلافات و همچنین حق کنترل و فرماندهی معنا شده است.^(۴)

مقام معظم رهبری در فرازی از سخنانشان، که به مناسبت هفته ناجا در سال ۱۳۷۳ ایراد فرمودند^(۵)، از اقتدار به عنوان یک امر معنوی یاد می‌نمایند: «آنچه که من از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی توقع دارم در سه فصل قابل بیان است. خصوصیت اول اقتدار است. نیروی انتظامی باید دارای اقتدار باشد. اقتدار یک امر معنوی است و با صدای کلفت، اسلحه تیز و مشت محکم تفاوت دارد...»

در این فراز مفهوم اقتدار از خشونت، رفتار نابهنجار، بی‌نزاکتی، توهین و حرمت شکنی و همچنین برخورد فیزیکی و جسمانی با شهروندان کاملاً جدا شده و بالعکس آن را یک امر معنوی دانسته‌اند. بدیهی است امور معنوی نیز از نوعی لطافت، اخلاص و دانایی برخوردار می‌باشد.

در همین ارتباط، در تعریف مفهومی واژه اقتدار برخی از دانشمندان، اقتدار را عبارت از حق مشروع برای تأثیرگذاری و نفوذ بر رفتار دیگران دانسته‌اند.^(۶) (عبدالرحمن عالم،

1- Authority

۲- لغت نامه دهخدا

۳- فرهنگ معین

4- Rondon House Unabridged Dictionary, 2nd edition.

۵- مقام معظم رهبری قریب به همین مضمون‌ها را. بویژه در ارتباط با مفهوم اقتدار پلیس در دیدار جمعی از فرماندهان و مسئولان ناجا با ایشان در مورخ ۱۶/۱۲/۸۳ عنوان کردند.

۶- واژه اقتدار در زبان لاتین *Authorite* که به مجلس سنای روم مربوط می‌گشت اخذ شده است. به این

بوریکو در اثر خود با عنوان «طرح تئوری اقتدار» ۱۹۶۲ و کروزیه در کتاب (پدیده بوروکراسی، ۱۹۶۷) متفقاً اقتدار را قدرت مشروع و مقبول عامه تعریف کرده‌اند. لوئی مورو و دوپلن نیز معتقدند، اقتدار قدرتی است که افراد یک گروه یا جامعه آن را به رسمیت شناخته‌اند، که در این صورت این اقتدار مشروع خواهد بود و نقطه مقابل آن عبارت است از: قدرت غیرمشروع یا خودکامه. همچنین مارسل موس نیز بر این اعتقاد است که «اقتدار، ضامن روابط انسانی و اعمال انسانهاست» بنابراین قدرت مشروع و مقبول عام قطعاً از خشونت بی منطق و شکستن حرمت شهروندان و رفتار توأم با بی نزاکتی بدور می‌باشد.

در این قسمت ذکر این نکته ضروری است که قدرت و اقتدار عموماً به عنوان دو کلمه مترادف به کار برده می‌شوند. مرز بین اقتدار و قدرت چندان روشن نیست، لیکن برخی از دانشمندان این دو را یکی فرض کرده و برخی بر این باورند که قدرت و اقتدار دو مقوله جدا از یکدیگرند. از این رو دکتر عبدالعلی قوام معتقد است «اقتدار، توزیع مشروع قدرت است» (قوام، ۱۳۶۶)

به نظر می‌رسد مترادف قلمداد کردن اقتدار و قدرت اشتباه است؛ زیرا اغلب متفکران سیاسی اعتقاد دارند که اقتدار، قدرت نهادینه شده است و در چنین وضعیتی، قدرت وجود ندارد، بلکه آن چه هست حق آن نهاد و تأسیس برای به کارگیری قدرت است.

منابع اقتدار

اقتدار دارای منابعی است. ماکس وبر سه منبع را برای اقتدار برمی‌شمارد:

۱- اقتدار سنتی: عبارت است از: زمانی که کاربرد قدرت سیاسی یا اعمال و به کارگیری آن مبنای عرف جامعه و سنت‌ها و آداب پذیرفته شده باشد و زمینه برای پیدایش حاکمیت فراهم گردد.

معنا که مجلس سنای روم اعتبار قوانین مصوب مردم را تأیید می‌کرد و رومی‌ها اقتدار سنا را پذیرفته بودند. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به: عالم، عبدالرحمن. مبانی علم سیاست، تهران، نشرنی، ۱۳۷۵. چاپ دوم.

۲- اقتدار قانونی - عقلایی: وقتی حق حاکمیت و سلطه از قواعد موضوعه و قوانین جامعه ناشی شده باشد، آن را اقتدار قانونی - عقلایی می‌نامند.

۳- اقتدار فرهی: وقتی حق حاکمیت در صفات و ویژگی‌های اخلاقی رهبر سیاسی برآمده باشد، آن را اقتدار فرهی می‌نامند. (علی، اکبر، ۱۳۷۴)

مؤلفه‌های اقتدار پلیس (۱)

به اعتقاد نگارنده اقتدار بسته به کسب پنج مؤلفه زیر از سوی پلیس می‌باشد:

۱- مشروعیت قانونی؛

۲- تعامل معقول؛

۳- اعتماد عمومی؛

۴- توانایی؛

۵- دانایی.

۱- مشروعیت قانونی: (۲)

آنچه که از معانی و تعاریف واژه اقتدار دریافت می‌شود، مفهوم آن مبتنی بر زور و ارباب و تابع سلیقه فردی و خارج از قاعده و حدود نیست، بلکه اقتدار مبتنی بر حدود و ثغور قانونی است و این مشروعیت قانونی است که به پلیس اجازه می‌دهد که آمرانه اعمال قانون کند نه مطابق سلیقه و خواست شخصی.

۲- توانایی: (۳)

اعمال قانون و اجرای بایدها و نبایدها و اینکه در کجا و در چه زمانی و چه ملاحظاتی باید مدنظر قرار گیرد و به عبارت روشن‌تر مدیریت اقدام و اعمال قانون، به هنگام سرعت و با حداکثر مزیت و حداقل هزینه، که بتواند موجب انضباط اجتماعی، افزایش احساس امنیت و کمک به اجرای عدالت گردد، نیازمند توانایی است. بنابراین در صورتی که پلیسی فاقد این توانایی باشد، نمی‌توان او را مقتدر دانست.

۳- دانایی: (۱)

لازمه توانایی، دانش و دانایی است. امروزه دانش و دانایی از منابع قدرت شناخته می‌شود. (عبدالحمید ابوالحمد، ۱۳۶۸) شاید همین ویژگی را بتوان برای اقتدار نیز قایل شد و دانایی و دانش را از منابع اقتدار دانست. (توانا بود هر که دانا بود) باروری و تکامل اندیشه و تفکر انسان در گرو آموختن دانش است. مهارت، تخصص و قدرت مدیریت، تصمیم و اجرا نیز هریک به نوعی از دانش بهره می‌برند. بنابراین دانش مولد توانایی است. آنچه که کشورهای توسعه یافته را توانا ساخته و دانشمندان را در اختراع و یا کشف پدیده توانمند می‌سازد، حاصل دانش و دانایی است. بنابراین پلیس توانا، مولود دانش و دانایی است.

۴- تعامل و اعتماد: (۲)

اعتماد در لغت به معنای تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، آهنگ جایی کردن، اطمینان، واگذاشتن کار به کسی، سپردن چیزی به کسی معنا شده است. (دهخدا و معین) بنابراین وقتی مردم یک جامعه بر تلاش پلیس برای برقراری صداقتانه نظم و امنیت نظاره می‌کنند، سطح دانش و مهارت پلیس را در انجام وظایف محوله قابل قبول می‌بینند، از همه مهم‌تر رفتار پلیس با مردم را همراه با نوعی دلسوزی پیشگیرانه و همراه با ادب و رفت ملاحظه می‌نمایند و می‌بینند که پلیس سعی دارد با تلاش، سرعت و خدمات لازم و بهنگام، نظم و امنیت را در جامعه برقرار کند و خلاصه اینکه در حد مقدرات، خود را برای خدمت کردن مهیا ساخته است، احساس می‌کنند که پلیس تکیه گاه مناسبی است و از سپردن این وظیفه خطیر به آنان احساس رضایتمندی می‌نمایند و بدینسان اعتماد عمومی نسبت به پلیس جلب شده و برچسب‌های متخلفان شایعه پرداز و یا مخالفان ناآگاهان و ساده لوح، هرگز نخواهد توانست اطمینان و حمایت شهروندان از اقدامات پلیس را از بین ببرد و همواره جامعه این گونه خواهد پنداشت که آنچه پلیس انجام می‌دهد، حتماً به نفع نظم و امنیت عمومی جامعه و شهروندان است. اعتماد عمومی متقابلاً به پلیس انگیزه مضاعف بخشیده و او را در انجام هر چه مطلوب‌تر وظایف خود تشویق و ترغیب می‌کند؛ به عبارت دیگر بدون اعتماد، هیچ تعاملی حقیقی و پایدار،

که نتایج مثبت و قابل قبولی را به دنبال داشته باشد، شکل نمی‌گیرد. اعتماد در واقع مبنای هر نوع تعامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

فرانسیس فوکویاما نظریه پرداز برجسته، سال‌ها پیش مقاله کوتاهی در خصوص نقش اعتماد نوشت که موضوع آن در دستور کار مدیران مراکز اقتصادی و سیاسی بسیاری از شرکت‌ها و کشورها قرار گرفت. وی معتقد است:

«اعتماد زیربنای هر تعامل اقتصادی است و وسعت میدان حرکتی اقتصادی هر کشوری را شعاع اعتماد آن تعیین می‌کند.» (فوکویاما، ص ۱۹)

به عبارت روشن‌تر وی براین گمان است که اگر درجه اعتماد یک واحد اقتصادی به واحد اقتصادی دیگر زیاد شود، میدان حرکتی آن افزایش و سطوح کمی و کیفی آن گسترده و ارتقا خواهد یافت و این روند نیز دوسویه و متقابل می‌باشد. بی‌تردید این امر در عرصه تعاملات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روابط بین‌المللی نیز کاملاً مصداق دارد.

بنابراین به میزانی که پلیس، موفق به برقراری تعامل با شهروندان گردد و اعتماد آنان را جلب نماید، به همان میزان می‌تواند اعتماد و حمایت شهروندان را نسبت به خود افزایش داده و از مشارکت آنان بهره‌مند گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱- با توجه به آنچه در بررسی فوق مورد اشاره قرار گرفت، پلیس مقتدر با شاخص‌های پیش گفته قادر خواهد بود در هر دو سطح از پیشگیری یعنی پیشگیری موقعیت مدار و اجتماع مدار باقوت و با انگیزه حضور یافته و عمل نماید و به این ترتیب از یکسو موجب کاهش جرم و بزهکاری شده و از سوی دیگر موجب کاهش هزینه‌های مادی و معنوی و حفاظت از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی کشور گردد. همچنین پلیس می‌تواند با مداخله پیشگیرانه، ارتکاب جرایم را برای مجرمان دشوار نموده، آماج‌های جرم و جاذبه‌های آن را کاهش دهد و ارتکاب جرم را برای مجرمان پرهزینه و پرخطر و میدان تخلف را بر بزهکاران محدود کند. در واقع پلیس با رویکرد تحولی و نوین می‌تواند نقش منحصر به فردی را در پیشگیری تلفیقی^(۱)

۱- پیشگیری تلفیقی (MULTI-faceted prevention): این نظریه معتقد است: از دیدگاه نظری می‌توان پیشگیری وضعی، اجتماعی و توسعه‌ای را تعریف کرد و وظایف و کارکرد هر یک را برشمارد. ولی در عمل

به انجام رسانده و آن را توسعه دهد.

۲- وقتی پلیس با تکیه بر وظایف قانونی، پرهیز از رفتار غیر قانونی و خارج از ادب، در عین حال هوشمند و با صلابت در خیابان یا محلات حضور یابد و یا اینکه در منطقه‌ای و محله‌ای (با تحلیل از شرایط جغرافیایی و اجتماعی منطقه و ضرورت‌ها) اقدام به احداث کلانتری یا پاسگاه نماید، قطعاً آثار اولیه آن، دقت بیشتر افرادی است که در آستانه جرم قرار دارند. این دسته با دیدن پلیس عموماً از اقدام خود منصرف می‌شوند و مجرمان به عادت یا حرفه‌ای با مشاهده پلیس و یا احداث کلانتری سعی می‌کنند در مناطق مذکور از ارتکاب جرم خودداری نمایند و یا خود را از آن محیط دور سازند.

حضور با صلابت، هوشیارانه و قانونمند پلیس در خیابان‌ها و مکان‌های مختلف، در واقع جغرافیای جرم را تحت تأثیر قرار داده و در عین حال اقدام مناسبی است در مقابله با وقوع جرم از سوی افرادی که در شرایط بحرانی و یا آستانه ارتکاب جرم قرار دارند.

۳- برای چنین حضوری و نیز تعلیم و تربیت پلیسی هوشمند، با نزاکت، پیچیده، قانونمند، امین و آگاه به اصول علمی پیشگیری از جرم، که بتواند با صلابت و عزت اقدام به پیشگیری از جرم نموده و در عین حال با برهم زندگان نظم و امنیت عمومی مقابله جدی و بهنگام کند، بخش‌های مختلفی در سازمان پلیس نقش داشته و باید به وظیفه مربوط به خویش عمل نمایند. لیکن مهم‌ترین بخش آن یعنی دانشگاه علوم انتظامی قطعاً بیشترین نقش و وظیفه را در تربیت، پرورش و آموزش «پلیس مقتدر» عهده‌دار می‌باشد که لازم است علاوه بر اقدامات مؤثر انجام

برنامه‌های پیشگیری مذکور را نمی‌توان به سادگی و بدون کاستی اجرا کرد. این نظریه معتقد است که می‌توان تلفیقی از این نظریات ایجاد نمود و صرفاً به یکی از آنها اتکا نداشت تا اقدامات پیشگیرانه کامل به سرانجام برسد. به عنوان مثال، پلیس می‌تواند برای کنترل یک منطقه از دوربین‌های متعدد استفاده کند. (پیشگیری وضعی) در همان حال در آن منطقه گشت پیاده یا سواره بیشتر بگذارد (پیشگیری انتظامی). در نشست‌های هفتگی در کلاس‌های دانش‌آموزان و جلسات اولیا و مربیان برای تعامل و آگاه سازی آنان شرکت کند (پیشگیری اجتماعی) و نوجوانان متخلف بالقوه همان منطقه و محله را شناسایی کرده و برای جلوگیری از ارتکاب جرم نخستین یا ارتکاب جرم ثانویه با آنان تعامل داشته باشد. (پیشگیری توسعه‌ای)

شده همچنان با تدوین سیاست‌های پژوهشی، آموزشی و تربیتی بلند مدت و به کارگیری نیروهای علمی و با انگیزه، امکان تحقق این مهم را فراهم سازد.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۳)، تحولات مدیریت پیشگیری از جرم.
- ۲- ابولحمد، عبدالحمید. (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، تهران، انتشارات توس.
- ۳- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۵.
- ۴- رجبی پور، محمود. (۱۳۸۲)، پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه دانش انتظامی.
- ۵- رزینام، دنیس و دیگران. (۱۳۷۹)، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی.
- ۶- صفاری، علی. (۱۳۸۰)، مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴.
- ۷- قوام، عبدالعلی. (۱۳۶۶)، تقریرات اصول روابط بین المللی. تقریرات دانشگاهی.
- ۸- گوردون، هیوز. (۱۳۸۰)، پیشگیری از جرم (کنترل اجتماعی و... و مدرنیته)، مترجمان: علیرضا کلدی، دکتر محمدتقی جغشایی، انتشارات سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ۹- معاونت طرح و برنامه ناجا. (۱۳۷۵)، دانشگاه علوم انتظامی، جلد ۵، تهران.
- ۱۰- معین، محمد. (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، جلد ۶، تهران.
- ۱۱- مورودوبلن، لویی. (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی اقتدار، ترجمه علی سیدانیان طوسی، مشهد، دانشگاه فردوس.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۱)، تقریرات جرم‌شناسی (دوره کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی قم).
- ۱۳- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۲)، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، تهران.

14- Random House Unabridged Dictionary. 2nd Edition

15- Repertoire, sybthese sur la prevention de la criminalite (cipc)

16- Heal & laycock (1986) situational crime prevention: from theory into practice, London, Huso.

17- Defining crime prevention, Australiaih Inshitude & criminology / 2004.